

❖ قول ششم:

وجوب عبارت است از طلب شدید و تمایز آن با استحباب به شدت و ضعف در حقیقت واحده است.

مرحوم بروجردی این قول را چنین تقریر کرده است:

«بل الحق المؤید بالوجدان و البرهان هو أن تكون الارادة متفاوتة بالشدة و الضعف لصحة اتصاف الارادة بالشدة تارة و بالضعف تارة أخرى و عدم كون الارادة الوجودية مع الارادة النديه في عرض واحد، فإذا كان مبدء الطلب كذلك فنفس الطلب يكون كذلك بالتبع، أي يكون التفاوت بين الطلب الايجابي و الطلب الندي بالشدة و الضعف. على أن الطلب الإنشائي ليس الا مثل البعث الخارجي المباشري فكما أن الطالب في طلبه الخارجي قد يكون شديد البعث بحيث لا يكاد يحول بينه وبين ما رامه شيء و يجر المبعوث بأى نحو كان نحو المطلوب و قد يكون لا بهذا الحد، فكذلك الحال في الطلب الانشائي فيكون الامتياز بالاشدية و الاضعفية.»^۱

ایشان هم چنین می نویسند:

«و قد يتوهم كون امتياز الوجوب و الندب بالشدة و الضعف كالخط الطويل و القصير مثلاً.»^۲

ما می گوئیم :

(۱) با توجه به آنچه مرحوم بروجردی در صدر عبارت دارند، تمایز وجوب و استحباب به شدت و ضعف در ماهیت تصویر شده است. یعنی ماهیت واحدی که شدید یا ضعیف است.

(۲) این قول را مرحوم فاضل به مرحوم آخوند نسبت داده است.^۳

(۳) در این باره باید توجه داشت که مرحوم آخوند - چنانکه خواهیم دید - واقعیت استحباب و وجوب را به شدت و ضعف می داند یعنی می فرماید در عالم واقع و در نظر عقل، این دو یک ماهیت هستند که شدت و ضعف یافته است ولی در نظر عرف با یکدیگر بالذات تباین دارند.

تشریح نظر آخوند به این است که:

اگر عرف، ستاره ای که ده دقیقه قبل از مغرب خورشید، طلوع کند را ناهید بنامد و ستاره ای را که ده دقیقه بعد از طلوع خورشید، غروب می کند را زهره بنامد، موضوع له هر یک از این الفاظ بالذات با دیگری متباین است. حال اگر ستاره شناسان ثابت کردند که ستاره ای که قبل از مغرب خورشید طلوع میکند همان ستاره ای است

۱. الحجة في الفقه، ص ۱۱۰

۲. نهاية الأصول؛ ص ۱۰۰

۳. اصول فقه شیعه، ج ۳ ص ۸۰



که بعد از طلوع خورشید، غروب میکند، در این صورت هیچ تغییری در تباین عرفی مفاهیم پدید نمی آید. چراکه مفهوم کلی «ستاره ای که ده دقیقه قبل از مغرب طلوع می کند» با مفهوم کلی «ستاره ای که ده دقیقه بعد از طلوع خورشید، غروب می کند» متباین است، اگرچه حقیقت و مصداق آنها واحد است.

حال: اگر عرف برای مفهومی معین که از نظر او با مفهوم دیگر متباین است، لفظ وجوب را وضع کرد و برای مفهوم دیگر لفظ استحباب را وضع نمود، تباین عرفی این دو مفهوم و موضوع له، با حکم عقل به وحدت حقیقت و ماهیت آن دو موضوع له از بین نمی رود.

باید توجه نمود که ما اینک در صدد شناسایی حقیقت وجوب و تمایز آن با حقیقت استحباب هستیم و لذا تباین عرفی موضوع له ها ضرری به وحدت ماهیت - اگر پذیرفته شد - نمی زند.

(۴) با توجه به آنچه گفتیم، عبارت آخوند را بررسی می کنیم.

مرحوم آخوند می نویسد:

«و من المعلوم أن كل واحد من الأحكام مع الآخر عقلا و عرفا من المباینات و المتضادات غیر الوجوب و

الاستحباب فإنه و إن كان بينهما التفاوت بالمرتبة و الشدة و الضعف عقلا إلا أنهما متباینان عرفا فلا مجال

للاستصحاب إذا شك فی تبدل أحدهما بالآخر فإن حکم العرف و نظره یكون متبعا فی هذا الباب.»^۱

توضیح :

همه احکام با هم بالذات متباین و متضاد هستند غیر از وجوب و استحباب که عقلا تفاوتشان به شدت و

ضعف است اگرچه عرف آنها را متباین می داند.

همین مطلب را مرحوم آخوند در جای دیگر نیز مورد اشاره قرار داده است با این تفاوت که آنجا تفاوت کراهت

و حرمت هم به شدت و ضعف دانسته شده است:

«لا یقال الأمر و إن كان كما ذكر إلا أنه حیث كان التفاوت بین الإيجاب و الاستحباب و هكذا بین الكراهة و الحرمة

لیس إلا بشدة الطلب بینهما و ضعفه ... فإنه یقال الأمر و إن كان كذلك إلا أن العرف حیث یری الإيجاب و الاستحباب

المتبادلین فردین متباینین لا واحد مختلف الوصف فی زمانین.»^۲

۱. کفایة الأصول (طبع آل البیت)، ص : ۱۳۹

۲. کفایة الأصول (طبع آل البیت)؛ ص ۴۰۷



ما می گوئیم :

با توجه به اینکه مرحوم آخوند به اتحاد طلب و اراده قائل بودند و می فرمودند طلب حقیقی و اراده حقیقی یک واقعیت و مفهوم هستند و طلب انشایی و اراده انشایی هم یک حقیقت و مفهوم هستند، گفته شده است که وجوب از دید آخوند عبارت است از طلب و اراده انشایی شدید.

اشکال مرحوم نائینی:

«قالوا: انَّ الوجوب و الاستحباب حقیقة واحدة مقولة بالتشکیک، فالوجوب عبارة عن الطَّلَب الشَّدید، و الاستحباب عبارة عن الطَّلَب الضَّعیف هذا.

و لكنَّ الإنصاف: انَّ هذه الدَّعوى كسابقتها واضحة الفساد، لأنَّ الطَّلَب لا يقبل الشَّدة و الضَّعف، لوضوح انَّ طلب ما كان فی غاية المحبوبة و ما لم یکن كذلك علی نهج واحد، و هذا لیس من الأمور الَّتی یرجع فیها إلى اللُّغة، بل العرف ببابک، فهل ترى من نفسک اختلاف تصدی نفسک و حملتها نحو ما كان فی منتهی درجة المصلحة و قوَّة الملاك، كتصدی نفسک نحو شرب الماء الَّذی به نجاتک، أو نحو ما كان فی أوَّل درجة المصلحة، كتصدی نفسک لشرب الماء لمحض التَّبرید، کلا لا یختلف تصدی النَّفس المستتبع لحركة العضلات باختلاف ذلك، بل انَّ بعث النَّفس للعضلات فی كلا المقامین علی نسق واحد. نعم ربَّما تختلف الإرادة بالشَّدة و الضَّعف كسائر کیفیَّات النَّفسانیة، إلَّا انَّ الإرادة ما لم تكن واصلة إلى حدِّ الشَّوق المؤكَّد الَّذی لا مرتبة بعده لا تكون مستتبعة لتصدی النَّفس. هذا فی طلب الفاعل و إرادته، و قس علی ذلك طلب الأمر، فأنَّه لا یختلف بعث الأمر حسب اختلاف ملاکات البعث، بل أنَّه فی كلا المقامین یقول: افعَل، و یبعث المأمور نحو المطلوب، و یقول مولویا: اغتسل للجمعة، كما یقول: اغتسل للجنابة.

فدعوى اختلاف الطَّلَب فی الشَّدة و الضَّعف، و كون ذلك هو المائز بین الوجوب و الاستحباب ممَّا لا وجه لها، بل العرف و الوجدان یكذبها و ان قال به بعض الأساطین.»^۱

توضیح :

۱. گفته شده وجوب و استحباب حقیقت واحد هستند و تمایز آنها به شدت و ضعف است.
۲. اما این قول مثل قول [به ترکیب وجوب از طلب و منع از ترک] باطل است چراکه:
۳. طلب شدید و ضعیف نمی شود چراکه طلب آنچه بیشترین محبوبیت را دارد و طلب آنچه محبوبیت آن چنین نیست، یکسان است.

۱. فوائد الاصول؛ ج ۱؛ ص ۱۳۵



۴. این وحدت از امور وجودی است و طلب آب در فرض آنکه آب را برای نجاست خود بخواهی با طلب آب در فرض آنکه برای خنک شدن بخواهی، یکسان است و حرکات عضلات هم یکسان است.

۵. و آنچه فرق دارد، اراده حقیقی در دو مورد است.

۶. طلب های فاعل چنین است و طلب های آمر هم چنین است.

ما می گوئیم :

(۱) در فاعل - که خودش کار خودش را می کند - اراده واقعی و حقیقی وجود دارد (که مرحوم آخوند همان را طلب حقیقی هم می داند) ولی طلب انشایی موجود نیست اما در آمر، اراده حقیقیه (طلب حقیقیه) وجود دارد و طلب انشایی هم موجود است.

(۲) مرحوم آخوند طلب انشایی و اراده حقیقی (طلب حقیقی) را قابل شدت و ضعف می دانست.

(۳) مرحوم نائینی در فاعل علاوه بر اراده حقیقی، به چیزی دیگر - غیر اراده حقیقی - به نام طلب حقیقی قائل است و در آمر هم اراده حقیقی هست و طلب انشایی. (اما طلب حقیقی موجود نیست)

(۴) از دیدگاه مرحوم نائینی نه در فاعل و نه در آمر، طلب (چه حقیقی و چه انشایی) قابل شدت و ضعف نیست ولی اراده حقیقیه قابل شدت و ضعف است.

پس طبق نظر مرحوم آخوند:

تصور ← تصدیق به فائده ← شوق ← اراده حقیقیه (طلب حقیقی) ← فاعل: حرکت عضلات
آمر: طلب انشایی

توجه شود که علامت = به معنای استتباع است و نه تقسیم بندی.

و طبق نظر مرحوم نائینی:

تصور ← تصدیق به فائده ← شوق ← اراده حقیقیه ← فاعل: طلب حقیقی ← حرکت عضلات
آمر: اراده انشایی ← طلب انشایی

حال: مرحوم آخوند در طلب انشایی و اراده حقیقی قائل به شدت و ضعف است و مرحوم نائینی در اراده حقیقی قائل به شدت و ضعف هست ولی نه در طلب حقیقی و نه در حرکت عضلات و نه در طلب انشایی قائل به شدت و ضعف نیست.

(۵) مرحوم عراقی بر عکس مرحوم نائینی نظر می دهند. ایشان اراده انشایی را قابل شدت و ضعف می داند ولی اراده حقیقیه را قابل شدت و ضعف نمی داند.

